



- تعدد مراکز تصمیم گیری
- در رادیو و تلویزیون
- در شهرستانها چه می گذرد...؟
- حمله ای از پاشا به فروشنده گان نشریه ای
- مجاهدین در کازرون

رویدادهای هر روز و هر لحظه، فی الواقع سندهای رسواگر تازه ای هستند که مهربانان تاریخ و خدایی شیادان و ستم پیشگان را بر سینه دارند. بی تردید آیندگان نیز، زمانی "دقتریام" نسل ما را ورق خواهند زد و وصف "لعل و خرف" را نه از زبان قدرتمندان و "گندم نمایان جو فروش" که از زبان رساو قاطع تاریخ خواهند شنید.

سرمقاله:

«اسناد افتخار»، آزمایشی برای همه

به اعتقاد مجاهدین مسئله ای اساسی نه در نظریات شخصی آقای آیتونه در لحن و کلمات مذاکرات خصوصی او، بلکه در گل جریانی است که آقای آیتونه تنها "آیت و نشانه ای" از آنست. جریانی که تفرقه ها و نفاق اندازی های اجتماعی در درون جبهه ی خلق را "افتخار" شمرده و در این مسیر استفاده از هر وسیله ای را مباح و بلکه واجب می داند.

... و این آزمایشی است برای همه نیروها و شخصیت ها، که طی آن بر حسب نوع موضع گیری، ماهیت واقعی خود را بروز می دهند. در برابر چنین آزمایشی، هر کس مسئله را در آیت خلاصه کند و از این آیت ها و نشانه ها به تبیینی فراگیرنده راه نبرد و تنها یک شخص را مورد طعن و لعن قرار دهد، خود در تامل آنچه در این مدت گذشته سهیم است. در همه ی تفرقه ها، نابسامانیها، هرج و مرج و خون های بی گناهی که از جانب این جریان بر زمین ریخته ...

در حالیکه آقای آیت بیانات افشا شده ی خود را صراحتاً "سند افتخار" می داند، جریان و حزب متبوع ایشان تلاش داشته و دارد که لااقل حزب را از آنچه برای توده ی مردم ناپسند و نامطبوع است بری سازد.

البته خود آقای آیت نیز برغم همه ی ایستادگی و افتخاری که بر سر مواضع ابراز می کند، اتهام "توطئه گری" را دیگر نمی پذیرد و می گوید:

"یک توطئه با وجود عده ای افراد مسلح، یک عده ارتشی و جریک، با پول زیاد و طرح درازمدت و طولانی و ... انجام می پذیرد ..."

بگذریم از اینکه کلمه ی "توطئه" تاکنون به معنی هرگونه مخالفت و انتقادی (و نه به معنای فوق) از جانب حزب و روزنامه ی جمهوری هزاران بار بی مان و بی هیچ تردید و دودلی شایع شده و بسیاری خوبها نیز در گوشه و کنار کشور بر اساس آن تاکنون بر زمین ریخته است. ملاحظه می شود که آقای آیت، علیرغم اینکه قانون اساسی حاضر را منجمد حاصل موقتیت میز تلاشهای خودش برای استقرار یک الگوی اسلامی بجای الگوی غربی می داند، تازه ناگزیر به آنجا می رسد که مجاهدین بیگم تردودین قانون اساسی بودند. یعنی درخواست تعریف کردن "کلمه ی چندپهلوی توطئه" تا دیگر کسی نتواند به رسم طاغوتی، که ماده ی ۳۱۷ قانون دادرسی ارتش را که بر اساس آن در دادگاههای طاغوتی، رشیدترین فرزندان این مین به سادگی تسلیم جوخه های اعدام می شدند (همینطور بیگم می گرفتند)، عمل کند.

لیکن امروز مسأله ی ما و این مین و این خلق بحث و جدل بر روی توطئه گر بودن یا نبودن آقای آیت نیست. برستی هم که چنانکه خود آقای آیت می گوید کسی حق چون و چرا در عقاید شخصی ایشان ندارد ولو اینکه معتقد باشد که باصطلاح باید "بابای صمه جز خود ایشان و جریانشان" را درآورد! و فی المثل مجاهدین را نیز از عرصه ی خاک و زندگی ناپدید ساخت!

همچنین مسأله بهیچ وجه در لحن و نحوه ی بیان آیت نیز نیست. بدیهی است که ایشان آزاد است که در مذاکرات خصوصی اش هر لحن و کلمه ای را که برایش پذیرفتنی تر است بکار گیرد. بنا بر این اصل مطلب سران خط فکری و حزب و جریان سیاسی افتخاراً میز است که اینهمه را قبایلی بهشت نیز تلقی می کند و همچنین آنهایی که در همه جا با این خط همراه و هم طرازند ولی چون مقداری (البته فقط مقداری) بقیه در صفحه ی ۲

انحصار طلبی در کار خانات

• انحصار طلبان می خواهند با چوب و چماق و انواع تهمت و شانتاز، کارگران انقلابی را از صحنه ی مبارزات اجتماعی خارج کنند.

بعد از انقلاب یک جریان راست گرای ارتجاعی با سوء استفاده از نام اسلام و امام، در جامعه و منجمله نهادهای دولتی شکل و قدرت گرفت. از ویژگی های این جریان ارتجاعی، انحصار طلبی، ضدیت با نیروهای انقلابی و جلوگیری از رشد آنها، و سنگ اندازی در

"السالوادور" آتشفشان جنبش مسلحانه ی امریکای لاتین

ناجنبش های رهایی بخش جهان آشنا سویم (۶)

"تفرقه اندازی در صفوف داخلی" و "ایجاد گروه های دست راستی مسلح"

سیاست مقدم امپریالیسم در آل سالوادور

در قسمت قبل اشاره کردیم که امپریالیسم در شمال رشد مبارزات خلق، سعی در انحراف انقلاب دارد. امپریالیست ها می گویند نیروهای انقلابی و مسلح را ایزوله کنند، با زمینه سازی برای به سازش رسیدن با لیبرال ها و محافظه کاران فراهم شود و خلاصه حضور استعمارگران تا چند صاخی بیشتر در آنجا ادامه یابد. از آنجایی که حکومت نظامیان فاقد هرگونه اعتبار مردمی است، امپریالیسم به نخره در بافته است که رویارویی نیروهای نظامی با جنبش های مردمی مردم را هرچه بیشتر به سمت نیروهای انقلابی سوق داده، و در نسخه ایگان تا نور امپریالیسم و ایادی داخلی اش از دست می رود. از بقیه در صفحه ی ۲

مصاحبه با خانواده های زندانیان انجمن میثاق

همان طور که در گزارشات قبلی آمده است، به دنبال حمله ی مسلحانه ی ماهورین کمیته ی منطقه ی ۱۲ به انجمن جوانان مسلمان میثاق در نیمه شب یکشنبه ۱۹ خرداد ماه که منجر به شهادت مجاهد شهید ناصر محمدی و زخمی شدن عده ی زیادی از خواهران و برادران و مادران ما گردید، ۱۶ نفر از اعضای انجمن نیز توسط ماهورین کمیته ی منطقه ی ۱۲ به طور وحشتناک دستگیر و روانه ی زندان اوین گشتند و ما کنون که حدود دو هفته از دستگیری غیر قانونی آنان می گذرد، خانواده های اعضای دستگیر شده هیچ گونه اطلاعی از وضعیت فرزندانمان و آن چه که در زندان اوین بر آنها می گذرد، ندارند.

مسئولین و ماهورین زندان اوین تا این لحظه اجازه ی هیچ گونه ملاقاتی به خانواده های زندانیان ندادند. آنها در تاریخ شبیه ۲۴ خرداد ماه علاوه بر ساعت از ملاقات خانواده های زندانیان، به مادران و خواهرانی که برای ملاقات بقیه در صفحه ی ۲

سوال از ریاست محترم مجلس شورای ملی

در باره ی محمدروزبان وکیل منتخب مردم مسجد سلیمان

مجاهدین خلق ایران ضمن تلگرافی در تاریخ ۱۲ خرداد یادآور شدند که: آقای محمد روزبان گاندیدای مجاهدین و وکیل منتخب مردم مسجد سلیمان، به دلیل ضدیت های بیمارگونه ای که بر ضد مجاهدین خلق ایران اعمال شده است، تا این ساعت به دلیل عدم صدور اعتبارنامه نتوانسته است در هیچیک از نشست های مجلس شورا حضور یافته و به وظائف قانونی خود بپردازد.

علیهذا مجاهدین خلق ایران بدینوسیله از شخص ریاست مجلس درخواست می نمایند اکنون که پرونده ی امر به مجلس احاله شده است، هرچه زودتر ترتیب انجام وظائف انقلابی، ملی و اسلامی وکالت ایشان را فراهم نموده و اجازه نفرمائید تا مضاف بر همه ی اعتراضات حقانی که به جریان انتخابات وارد بود، خصیمه ی فراگیر و جامعیت سیاسی مجلس شورای ملی بیش از این تضعیف گردد.

اکنون سوال ما از آن مقام اینست، که چرا تا بحال هیچگونه پاسخی به این مسئله داده نشده است؟

رهنمودهانی برای دانش آموزان برخورد انقلابی با تعطیلات تابستان

ناسان از راه رسیدفاست و سه امکانات و اشیا یی که دوروبر ما ماه تعطیلی سعی دارد طبق روال معمول خود رخت و رکود را بر شهرها و نیروهای حاکم سازد. در کنار این تمایل عمومی، یک جریان قوی و محکم و سخت کوش با این دیدگاه انقلابی ما بایستی با موقعیت، برخوردی انقلابی دارد و با رخت و رکود آن، به مبارزه برخاسته است. اساساً چنانچه خواهیم از دیدگاه انقلابی به سه ماه تعطیلی نگاه کنیم آنچه به طور مقدم مطرح می شود اینست که چگونه بایستی با آن برخورد کنیم. به لحاظ ایدئولوژیک کلیدی

مردم و مجاهدین

ما عمده ترین نیرویی بودیم که در افشای ماهیت مرتجعین از هیچ گوششی فروگذار نگردیم، و این مقاومت و ایستادگی در تاریخچه ی پرافتخار سازمان با خطی زرین نگاشته خواهد شد.

توده های که مشتاقانه به انقلاب روی آورد و از رهبری آن پشتیبانی می کنند، جنبش و انانود می کند که گویا "پیرو منحصر به فرد امام خمینی" است. در هر انتخاباتی که شد تا آنجا که توانست تغلب کرد در هر نپهادی که حضور یافت سنگ اندازی و پرونده سازی کرد تا عناصر مترقی و انقلابی را حذف کند. از هر موقعیت و امکانی، از جشن تا عزا، از مراسم مذهبی و از یاکترین احساسات بوده ها

خواهران و برادران عزیز: تعدادی از شما پرسیدماید که چرا اینقدر با روزنامه و حزب معلوم الحالی طرف می شویم که کوس رسوائی اش مدت ها ست زده شده است، برادری از خرم آباد در همین رابطه برایمان نوشته "پاسخ به اتهامات آنان جای منون - ایدئولوژیک را می گیرد" و در تعدادی دیگر از نامه ها آمده است که به جای پاسخ گویی بهتر است به مسئله آموزش توجه کنیم. در این مسئله که ذهن به دهن شدن اصولاً کارو شیوه ی صحیحی نیست حرفی نداریم. ولی در این که آیا مقالات و نوشته ها و افشاگری های ما در باره ی این قبیل جریان ها "دهن به دهن" شدن است جای بحث است. واقعیت مسئله این است که در بین احزابی که بعد از پیروزی قیام در جامعه ی ما "سبز شد" یک حزب دست راستی انحصار طلب با عوام فریبی و پشت

«اسناد افتخار»، ...

به سبب آقای آیت زبیر کتر و مردم شایسته، سعی می‌کنم که آیت و آیات باشی از او را تنها بخودش اجازه دهد و پس!

پس با اعتقاد ما (مجاهدین) سالهای اساسی بدر نظریات شخصی آقای آیت، و نه در لحن و کلمات مذاکرات خصوصی او، بلکه در کل جریانی است که آقای آیت تنها "آیت" و شایسته عملی "از آن است. جریانی که تفرقه‌ها و مناقشاتی برای اجتماع در درون جبهه، خلق را "افتخار" شمرده و در این مسیر استفاده از هر وسیله‌ای را مباح و بلکه واجب می‌داند. تمامی شماره‌های روزنامه‌ی جمهوری و دروغ‌پنداری‌های سجومی آن گواه این حقیقت است. جریانی که امثال مجاهدین را دشمن اصلی گرفته و با حضور ریشه‌دار، در هر کجا از سپاه و کمیته‌ها و دانشگاه‌ها و رادیو تلویزیون هیچ فرصتی را فرودگذار نمی‌کند. "گوهر جعفر که باقی مسئولان می‌خواهند استعفا کنند! اینکه مهم‌بست! مهم افزایش آن افتخارات! تاریخی است"

ولایت امروز آقای آیت تلاش می‌کند که منظور تیرته‌ی خود بسیاری را با شیوه‌های کشور را نیز تلاش دهد و بدین طریق حریف بیدار از حلی کوپت‌های طس گرفته، تا وضع ارتش و ... که باید گفت دیر آمدی! نگار سرست! وانگهی مگر همه چیز اساساً در قدرت خود شما (نه فرد شما) بوده و نیست؟ و مگر به خاطر همینگونه تذکرات و انتقادات و اعتراضات هزاران بار دیگران را توطئه‌گر بخوانید؟ و برستی مگر مخالفان شما همگی با پول کلان و افسراد مسلح و طرح‌برداری جمهوری اسلامی و ... وارد کار شده بودند؟ که همگی را توطئه‌گر خواندید و می‌خوانید؟

از سوی دیگر، از آنجا که آیت و آیت‌ها بار هم در مواضع خود همچنان استوار مانده و خواهند ماند و بقول قرآن: «ما لذهبیم فرحون» (بدانچه دارند و می‌کنند، شادند و افتخار هم می‌کنند) مسئله‌ی اساسی تر و مهم‌تر آرمایشی است که بدین وسیله از طریق افتخاری‌های اخیر در برابر همدی شخصیت‌ها و نیروها قرار می‌گیرد. آرمایشی بسیار صفت و دشوار که طی آن هر کس و هر نیرو ماهیت واقعی خود را طی آن بروز می‌دهد.

می‌شود سخت گرفت، ایستادگی نمود و جریان را تا نهایت همه‌ی رگ و ریشه‌هایش پی گرفت و می‌شود هم قضیه را به اصطلاح سبیل کرد و گذشت و سبزی شود یا مواضعی متزلزل در برده‌ای از وحدت - گزاشی‌های صوری و سطحی فرو رفت و غافل از ساسی پاک‌سازنده و تصفیه‌کننده‌ی وحدت به مباحثات با کجی‌ها تن در داد.

که نهایتاً "سبز"، اگر مواضع سازشکارانه و متزلزل در خاتمه‌ی ماجرا تقویت شود، بار هم استخوان در لای زخم این مبین همچنان باقی می‌ماند. روز از نو و روزی از نو ...

در این میان باز آنچه برجای می‌ماند، دست‌های تنگسته، چشم‌های از حده‌تر آمده و قلب‌های پاره‌پاره است که ندای مباحثات و متزلزل آسپایی می‌شود که می‌فهمد ولی نمی‌فهماند و عمل نمی‌کند! پس باز هم تکرار می‌کنیم که این آرمایشی است برای همه، همه‌ی نیروها و شخصیت‌ها، که طی آن از روی نحوه‌ی موضع‌گیری، ماهیت واقعی خود و درجه‌ی واقعی وفاداری و حساسیت‌شان را نسبت به این انقلاب و این خلق و این مکتب و این امام، نشان خواهند داد.

آری، انتظار اصلی از آقای آیت چیست، چرا که ایشان با زخم در کمر، نمایندگی ملت با صراحت و صداقت! به آنچه گفته و کرده افتخار می‌کند. چرا که چنین می‌نماید که آرمایشی ایشان و جریان متوسعتان مدت‌هاست که پایان یافته و به قول خودشان "افتخار" می‌ز! هم از آن بیرون آمده اند و با زخم در همان تنگ و خطوط عملی که در آن شکل گرفته و بدان خود گردید با آن ریشه‌مدار را ادامه خواهند داد. در حصار همان برده‌های سنگین انحصارطلبی و فرقه‌گرایی و تفرقه‌اندازی حزبی که به قول قرآن "بیمانی را از چشم‌ها و شوائبی را از گوش‌ها بی‌رایید.

لذا؟ آرمایشی از آن آسپاست که همور فرصتی برای "دیدن‌ها و شنیدن‌ها"ی قرآنی باقی دارند و نه هر آنچه کرده و گفته‌اند کمتر افتخار می‌کنند.

و در برابر این آرمایش، هر کس مسئله را در نفس آیت خلاصه کند و از این آیت‌ها و بنی‌ها به تیبیبی فرامی‌گذرد ترانه سرد و تنبها یک شخص را بورد طعن و لعن قرار دهد، خود در تمامی آنچه در این مدت گذشته سهیم است. در همه‌ی تفرقه‌ها، باسامی‌ها، خرج‌سرج‌ها و خون‌های بیگانه‌ی که از جاسه این جریان به زمین ریخته‌است.

مصاحبه با خانواده‌های ...

فرزندانان به محل زندان اوین رفته بودند. حمله کردند. طی این پورش یک نفر از مادران را به شدت مصروب و فرد دیگری از اعضای خانواده‌های زندانیان را دستگیر می‌کنند.

ماجرای حمله‌ی حمله‌ی ما، مورس زندان اوین به خانواده‌های زندانیان هنگامی آغاز شد که بعد از مادران و خواهران زندانیان احسن منافی به محل زندان مراجعه می‌کنند تا با فرزندانان ملاقات کنند. ما، مورس زندان از دادن ملاقات طفره رفته و وقتی که در مقابل اعتراض مدعی مادرانی قرار می‌گیرند که نسبت به سرنوشت فرزندان خود نگران بوده و به بازداشت غیرقانونی آنها اعتراض داشتند، بنای بدرقاری ما آنها را نمی‌گذارد. و ما بوهی و وحشی‌های رنگ تلاش می‌کنند آنها را برآکده سازند و چون موفق نمی‌شوند، ما شلک سرحای خویشی آنها را بنیدید می‌کنند.



رفار ما مورس زندان اوین ما مادران و خواهران زندانیان سزار زنده بود. منجمده علاوه بر آن که یکی از مادران را با صراحت بی‌دربی به زمین انداخته و مصروب می‌کنند، در آخر سز یکی از افراد ملاقات - کننده را در دستگیر و روانی زندان می‌کنند، که هموز از سرنوشت وی هیچ اطلاعی در دست نیست. در بی این مورس و سهاجم، خانواده‌ی زندانیان تصمیم گرفتند شکایت‌نامه‌ی تنظیم کرده و از مقامات مسئول بخواهند. ما به این سی‌فوقی‌ها جواب دهنده و جانمان چه دستگیرندگان حرمی مرتکب شده‌اند، حداقل بوج جرم را مشخص و ترمیمات ملاقات ما فرزندانان را فراهم نمایند.

(مسئله شکایت‌نامه در زیر می‌آید.)

پس از جریان حمله‌ی ما مورس زندان اوین به خانواده‌های زندانیان احسن منافی، خبرنگار مجاهد گفتگوی با آنها به عمل آورد. در این گفتگو خانواده‌های زندانیان ضمن شرح مایع حمله‌ی ما، مورس کینه‌ی احسن منافی و نحوه‌ی دستگیری فرزندانان، اخباری به برخورد کینه‌چی‌ها ما خود آنان در رابطه ما فرزندانان نمودند.

در اسناد ما یکی از زندانیان بدنام یوسف واصحان در این مورد

نکند. ناراحت نسیم، مگر بجای من از مهدی رضائی عزیزتر است؟ اما باید نگویند این چه جور اسلامی است که بخواهیمان را بی‌مسئولیت می‌گیرند و اسیر می‌کنند؟ مادر یوسف در جواب این سؤال که پس از دستگیری یوسف به چه مراجع و مقاماتی مراجعه کرد و آنها چه پاسخی به دادخواست‌های شما دادند، گفت: آرتست دستگیر ۳/۵ بعد از این که یوسف را دستگیر کرد، بدرس ما ناراحت نسیم، من افتخار می‌کنم که سرم الان در محلی زندانی است که

مطلبی‌های اساسی با حسن جریانی برادرش این فقط و فقط تا بومدم که می‌بواسیم در مقابل این جریان تا نسیم و اس مسئولیت، رسالت ما بوده‌است که بدان که می‌خواهند از اسلام بوسمن وارونه سازند، "نه" نگوییم. درست دست‌نکندیم: براسی اگر ما در مقابل این جریان نمی‌ایستادیم چه می‌شد؟ چه سر حلق و انفلات و تر همه می‌پسرام اسلام می‌آید؟ سایر این اسلادگی در برابر این جریان که من حمله به علت ناخبت احتیاط‌طلبان و عقاب‌مانده‌های همسه سعی در حمله و سرزدن به ما تا بوسل به انواع سوهدها داشته و انفلات را به سزایه می‌برد، یک مسئولیت در فبال خلق و خدا و انقلاب است و ما تنها نیرویی بومدم که از همان آغاز این مسئله را فریاد کردیم و ایستادیم و جوس را هم خوردیم. و درست به همین دلیل است که بنسرس حملات همسه سوجه تا بوده است. ما بنسرس فشارهای برحسین را تحمل کردیم ایم به دلایل سعدهد سنها ما بومدم که بی‌نیاست رسالت این ساززهی - سخت را بر دوش‌های خاصی خواهران و برادرانمان احسانی کنیم، دست‌هايمان سکنه شوند. جسم‌هايمان از حدهد سبورن آید، معزبان بر سنگرسی حسان‌ها باشدیده شود، ضربات سلاق را بار دیگر بر بدنمان سحره کنیم

بقیه از صفحه اول

مردم و مجاهدین

حواز خون نیندا کردند. حی‌بواسیم تحمل کنیم که بنام اسلام، به نام اسلامی که ما معتقدیم صرفی برین اندولوپنیاست مرتجعانه - بری کارها را انجام دهند. ما می‌بواسیم نسیم که بنام اسلام به صداضلاب میدان داده می‌شود ساواکی‌ها را آزاد می‌کنند، فتودال‌ها و خان‌ها را صلح می‌کنند و از طرف

سازدهی اسرائیلیم در آمریکا تالین به اسالوادوری می‌شود، و زارت و انت "به بطور آشکاری اجرای طرح‌های آمریکا را علیه انقلاب ال‌سالوادور به عینده گرفته و در آنجا پیاده می‌کند. رژیم حاکم ما راه‌نمایی آمریکا، به اقدامات اصلاحی هم به عنوان اقدامات ضد انگیزه‌های موسل شده‌است. از حمله سوزای حاکم ال‌سالوادور در اسفندماه گذشته تا اعزام نیروهای مسلح به نام بانک‌های خصوصی این کشور، آنها را ملی اعلام کرد. موسسات مالی و اعتباری هم ملی شدند. در عین حال آمریکا از هر گونه راه‌حلی که منجر به برقراری کامل حکومت نظامی شود خودداری می‌کند یا سواد طرح‌های "آرام" خود را جهت ایجاد شکاف میان نیروهای مخالف و همچنین سربره‌ردن

بقیه از صفحه ۴

«السالوادور» آتشفشان ...

این روز، ناکسون اسرائیلیم آمریکا سعی نموده است، بقس فعال خود را بطور مستقیم (البته به لحاظ سیاسی) در امور داخلی ال‌سالوادور حفظ کند. سفر ایالات متحده، در ال‌سالوادور زارت و انت "به نامندگی از سنا، این نفس را به عینده گرفته است. آمریکا تا کنون تمام تلاش خود را برای حمایت و تقویت رژیم حاکم و سرکوبگر ال‌سالوادور به‌کار برده‌است. البته اسرائیلیم همواره برای جلب لیبرال‌ها و سازشکاران مخالف، لحن انتقادی خود را نسبت به "اعمال جنسوت‌آمیز" مقامات دولتی حفظ کرده‌است. سیاسی که آمریکا در ال‌سالوادور در پیش گرفته

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

سوراهای فرمایشی و بی محتوا می‌رسد
 کارگران مبارز و فعال را مشخصاً به جرم هواداری از مجاهدین به انواع و اقسام بهمت‌ها مسموم کرده و اخراج می‌کنند. انحصار طلبان می‌خواهند با جوب و حجاب و انواع بهمت و شاناز، به زعم خود، کارگران انقلابی را از صحنه مبارزات اجتماعی خارج کنند. اگر چه به دلیل حقانیت و بالندگی کارگران مسائز، مرجعین در درازمدت قادر به جنس کاری نیستند، ولی به طور ناگهانی می‌توانند سبح همه جانبداری کارگران در مبارزات ضدامپریالیستی را با استکلات حدی مواحه سازند. بدین جهت ما برآنندیم تا بررسی مختصری در مورد عملکردهای انحصار طلبانه در کارخانجات به عمل آوریم.

سوراهای واقعی همچون خاری در چشم سرمایه‌داران و مرتجعین انحصار طلب

مرجعین و انحصارطلبان در محیط های کار، منجمله از روی مخالف‌هایی که با سوراهای واقعی می‌کنند، ستاحه می‌یابند. چرا که سوراهای واقعی، استکلات ساسی-صنعی طبیعی کارگر در شرایط کسبی است و کارگران با تکیه به این استکلات ساسی-صنعی خود و شرکت فعال در مبارزات اجتماعی سهم مهمی در عرصه نیروی-سوراهای واقعی و رسد و تکامل آن به عهده دارند. سایرین سوراهای سدی هستند در برابر منافع سرمایه‌داران و مطامع انحصارطلبانه -ی مرجعین از این رو آن‌ها سعی می‌کنند با انواع حیل‌ها، سوراهای واقعی را از بین ببرند، با آنها را به بلائی بکشند، به قول بدر طالقانی: "تا بد این‌طور شخصیت ندهند؟ اگر تورا بشکل سود، دیگر ما حاکم هستیم؟!"

به همین دلیل است که طی نازده ماهی که از پیروزی انقلاب صدیکامپوری مردم ما می‌گذرد، عناصر و محافل راست‌گرا و ارتجاعی سعی در اعمال حاکمیت خود و حزبان بر واحدهای تولیدی کشور داشته‌اند. آنها در کارخانجات واحدهای تولیدی، نخست سعی می‌کنند که قبول خودشان سوار موج شوند، به این معنی که اگر کارگران، سورا می‌خواهند، آن‌ها هم سوار سیکل سورا را می‌دهند! اما! بلائ می‌کنند عناصر و اسبه به خودشان را در سورا جا نزنند، به طوری که اکثریت مصمم گیرنده آن‌ها باشند، آن‌ها برای پیوستن اهداف بلندشان طبق معمول از عنوان اسلام و امام و راه امام و... سیر به حد کافی سوءاستفاده سودا با اسک از طریق خود را حاصل کنند و از طرف دیگر، برای سرکوت و طرد کارگران مبارز دست به کار شوند. هرکس در مقابل انحصار طلبی‌ها-سان ناستند، بلافاصله ساقی و کویست و اخلاک‌گر می‌شود و با آن‌ها که می‌توانند کاری می‌کنند که حریف از میدان بدر رود، در مورد سودهای انحصارطلبان هم که کم و کسری ندارند، چون خرباش! اسحاتان بی درسی، سوبه‌های راحت! انحصارطلبان را به آنها آویخته است: از جو خاشاک نظارت بی‌طرفانه! سر صدوق‌ها و...

ساکسون در بسیاری از کارخانجات عالماً با کمک عناصر و ارکان‌های خارج از کارخانه مثل کسب‌ها و اسخترانان‌دهشی! و با استفاده از برخی عناصر داخل کارخانه، سوءاستفاده بسیاری از اصطلاح سوراهای واقعی را فضا کنند. سوراهای فرمایشی عمداً حاصل جنس عملکردهایی است. اما خصوصیت ارتجاع انحصار طلب این است که قانع نیست و همه چیز را برای خودش می‌خواهد. همراه با تمام و بخصوص ماههای اول پیروزی در بسیاری از کارخانجات، سوراهای واقعی بشکل شده بود و نواسه بود

بقیه از صفحه اول
انحصار طلبی در کارخانجات

خانه سازی مکانی
شرکت سهامی خاص

اطلاع کتبه کارکنان شرکت خانه سازی سکاکی در متفرطح اراک می‌رساند که جهت فریب، به تهران و پشیمانان ازمن انقلابی برادران که خواهان برچیدن هرچه سریمتر اتحادیه باصطلاح اسلامی که رنگ کمونسیتی در آن بیشتر بود، از اجتناب از پیش گرفتن سورا‌های اسلامی روز شنبه ۹۴/۱/۲۰ را پس از آنکه در سطح حرکت به تهران مقصد سازمان گذشتن و سورا‌های صلاح ایران صما، از هر تصمیمی، بیان اسامی خود را با اظہار تیرا به همه تا ترتیب حرکت آنها در روز معرزه داده شد. ۱۰



چهارم شهریور ۱۳۶۲
 شماره ثبت: ۵۹۳۳/۶۰
 پست

که بسیاری از سکتلات کارگران حل کند. نمایان این سوراها که با -کنون مفاومت کرده و اسانند، همچون خاری در چشم ارتجاع بوده و هنوز هم حسد، گذشته از مرجعین، لیبرالیها و سرمایه‌داران و اسند نیز به شدت از قدرت‌گرفتن سوراهای واقعی خراس اسند و در عوض، سدی از طرح "سوراهای هم‌خانگی" ما سورا بدون نظارت در مدیریت، حمایت منگردد ولی سبها راه مفاصله آنها هم ما سورا، غیبت عناصر انحصار طلب بود. این است که در بسیاری از کارخانجات، دست عوامل کارفرما را در بست بسیاری از حامندان در اصطلاح حزب‌اللهی نحوی می‌یوان دید.

توطئه‌های روبه‌گسترش و سازمان‌یافته‌ی مرتجعین

همه‌ی این مسائل، ارتجاع را بر آن داشت که با تهاجمی سبه توطئه‌ی باصطلاح انقلاب فرهنگی، حرکات منسب و تراکنده‌ی خود را در داخل کارخانجات سازمان دهد. احباری که بعد از حرابانان دانسته از کارخانجات می‌رسد، حکایت از گسری روزافزون و گاه سازمان یافته توطئه‌ی عناصر راست‌گرا دارد که تحت عنیبه سوراهای واقعی و بعد عنیبه کارگران انقلابی شکل می‌گیرد. این توطئه در آغاز، سوراهای واقعی را هدف قرار داده بود، مثلا: در خارج نهم اردیبهشت همزمان با

سروصدای انقلاب فرهنگی، عده‌ای به تحریک عوامل خارجی در محوطه کارخانه‌ی ماشین‌سازی تبریز به حرکت درآمدند و حواساتر انحلال تورا انقلابی کارخانه شدند. طبق برنامه‌ی یاز بیش طرح‌دهه، پس از مدت کوتاهی نماینده‌ی دادگاه انقلاب وارد کارخانه شد و دفتر هیئت اجرائی سورا را مهروموم کرد. ساند امروز بعد از روشن تارهای دکنرآیت سهر نبود فهمید که چرا در این نقشه‌ها- عملیات سربز از اهمیت بسیاری برخوردار بوده. از طرف دیگر قابل توجه است که در کارخانه ایران کاوه، عناصر سرفی سورا، به خاطر حمایت نکردن از حامندان در حرابانان دانشگاه محب فشار عناصر مرتجع محور به اسفعا شدند. جنس یکی دو هم‌ه‌ی مثل سر عناصر انحصار طلب اتحادیه‌ی سراسری سوراهای انقلابی اسلامی کارکنان شرکت‌های تابع و واسعه سازمان گسری و سوزاری صناع ایران، نخست با جوب و حجاب، جنسی اسجات هیئت اجرائی اتحادیه‌ی سوراهای را نهم زدند و پس با ساحتی جوب، سراط را برای انحلال آن فراهم کردند. و سرب صناع سیر با یک اقدام غیرقانونی دستور انحلال آن را صادر کرد. پس یوتنه‌ها داسگیر کارگران و اراد طرفدار کارگر داخل کارخانجات -ی و انحصارطلبان به سوبه‌های مختلف سل فشار به تورا احصا جمع کردن از بعضی کارگران، حرکت کارگران آگاه و وجود آوردن درگیری و سوبل به کسب‌ها و دادسای سبی کرده و می‌کنند آنها را اخراج یا جاذب به واحدهائی که با ساحتیه هستند، منسل ساسند، با سوبئی وجود نداسه ساند که کارگران آگاه کند و با اسکاری سوزادند.

ضدیت بیماری رگه‌ی مرتجعین یا سوراهای راه‌بر برای سلطه‌ی مجدد امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته هموار می‌کند

سایرین مرجعین و انحصار-طلبان با مخالفت و سرکوبی سوراهای واقعی و اتحاد محیط هیئت و حقان در کارخانجات، راهکشی خادعی سارس برای لیبرالیها و بازگست سرمایه‌داران واسه و بالاخره سلطه-ی متحدان امپریالیسم خواهند بود. در واقع کارخانجات و سوسات تولیدی کشور ما، امروز سان سده‌ی همگانی مرجعین و اسکتان به امپریالیسم است. و از اسروس که سارزهی ضدامپریالیستی از سارزهی صادراتی جدا نیست. لذا کارگران و سوراهای واقعی ساند سوسارانه در برابر حرابانان ارتجاعی نایسند و دست به سارزه و اسکاری عنیبه حرابانان انحصار طلب سزیدند. همچنین کارگران ساند با تشکیل و گسرتن سوراهای واقعی و اتحادیه‌های انقلابی صناع متاسسه، سروها و محارب خود را در راه سارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری واسه بکارگیرند.

رهنمودهائی برای دانش آموزان

انقلاب معطل بردار نیست. البته بایستی در باین شمار، و مداوم اصولی انقلاب فدakarهای بسیاری از همه‌ی انقلابیون و منجمله از دانش‌آموزان می‌طلبد. که الحق این نسل جوان انقلابی از دادن قربانی دریغ نکرده و فداکاری را به اوج رساند. برای فرزند محاهد کنگ خورد، دستگیر شد و مورد سوبس فرارگرفت. برای گهگاهی از ترامس سخترانی و... آزار و ادبیت حسای و محسوح را حمل کرد. و بالاخره، در آسانه‌ی ناسان اسال همکلاسه‌های فیرومان ما "ناصر محمدی" و "مصطفی داکری" به کاروان برامخار شهیدی محاهد، سوسندند. تمام این فداکاریها یوتنه‌های معطل فعالیت سیاسی در مدارس و جدائی دین از سیاست را با سکت مواحه کرد. به این ترتیب ما به سارزهی جوبی معطلی رسیده‌ایم. و به خیال خودی از سرت انقلابیون جوان در امان می‌ماند. ولی بدون شک این هم خیال خامی است. آخر مگر نه اینست که اسال دانش‌آموزان انقلابی ما چشم خویش دیدند که امپریالیسم آمریکا در سابه عملکردهای مرجعین و سارزکاران

برخورد انقلابی با تعطیلات تابستان

و جوهر برخورد انقلابی با امکانات است. طبیعی است وقتی ما جنس دینی با امکانات برخورد کردیم دیگر امکانی تلف با حرام نمی‌شود و از هر چیزی درجای و به اندازگی جودس استفاده می‌شود.

معطل ناسان سربه سوبئی جود فرصت و امکانی است که ساسی با آن انقلابی برخورد کرد. برخورد غیرانقلابی با تعطیلات، برخوردی است که در آن سبلی، سکاری، کم-سحرکی، خواب و اجناسا ولگردی برنامه‌ی روز را برمی‌کند. در حالی که برای یک انقلابی جوان چون درس و سستی در کار نیست، و جوب صنعتی درس‌خواندن و مدرسه رفتن وجود ندارد. ما دست بازبر خواهد سوانست به برنامه‌ی انقلابی‌اس سسرارادند.

و روی آن حساب می‌کرد. بی‌حواست با استفاده از رکود و رجویی که در ناسان برقرار می‌شود، جنس را اهد بدهد. و اگر می‌توانست اسبی ایجاد کند، دستس باز بود که مانورهای مختلفی انجام دهد.

ولی ناسان، فعالتر از سبها بود. دانش‌آموزان از سه ماه معطلی به سبیس سجو استفاده کردند. مدارس نازماند و ترازگاه انقلابیون جوان شد، و دیدیم که چه شد: تمام ۲۲ تبس و بی از آن اولین سبها آزادی.

انقلاب صدیکامپوری پیروز شده بود، و برای عده‌ای غایت‌جو و مرتجع، سارزه و انقلاب خام شده بود و تمام هوس و حواسان سوحی دربر طلبی و انحصار آن بچودسان شد؟ طبعاً ضدیت با سبروهای انقلابی و سخطه سازمان سجادین، ولی برای دانش‌آموزان انقلابی ما در سبئی درک عمیق از مفهوم انقلاب و در ساسه‌ی رهنمودهای سازمان‌های انقلابی، سوحسلی سبجسجد سرب سارزهی سندرکائی آغاز می‌شد، که طبعاً خوئی‌اسند مرجعین و سارزکاران نمود دانش‌آموزان، ساند خود را برای سببمود راه بریبج و حم مداوم سارزه ضدامپریالیستی آماده می‌کردند و چه فرضی سبیر از تعطیلات ناسان برای کسب این آمادگی؟

اولین ناسان بی‌سارز آزادی

تعطیلات تابستانی سال‌های اخیر

ناسان سال ۵۷ را ساند آوریم، آس سرب حاکسیر بود. گرامی ناسان داندهای سرح آس را برای باشز و زسان سرح می‌کرد، سبها در اسطار حرفه بودند. حرفه زده شد و سبها آس گرفت. کوجه و حسان، لاسبکهای مسعل، راه-بندان، ساروب و دود و زخمی و سبید و فرباد انقلابیون، همه و همه حصول سربس و بربرابندرافسانی و انتظار ناسان ۵۷ بودند.

ناسان ۵۷ نقطه‌ی عطفی دیگر در تاریخ سارزات دانش‌آموزان -ب‌طور خاص- بود. رژیم ساه برای سه ماه تعطیلی برنامه‌ریزی کرده بود

تعدد مراکز تصمیم‌گیری در رادیو و تلویزیون

در اولین نگاه به جریان‌هایی که اینک در رادیو و تلویزیون می‌گذرد، می‌توان دریافت که تعدد مراکز تصمیم‌گیری شتت شدیدی را بر این ارگان حاکم گردانیده است. در آشفته‌بازاری که اینک رادیو و تلویزیون - و خصوصاً رادیو - را فرا گرفته، گمانی که پشت به "جا" بی داشته باشند می‌توانند را اما اطلاعیه صادر نمایند و به بحث آزاد دعوت کنند و ... حتی می‌توانند بی آن که نام و نشانی از خود به مردم بدهند - از بیم آن که مبادا توده‌ها از سابقه درخشان‌شان! آگاه گردند - به انواع سبشی‌ها و تحریکات سو علیه نیروهای انقلابی بپردازند و در مقابل، مزدورانی همچون سید حسین نصر را نظیر نمایند و باکی هم نداشته باشند از این که زمانی با بودجه‌ی ساواک به "تبلیغات اسلامی" می‌پرداختند. از طرف دیگر دنبال کردن همین "خط" اتفاقاً خوشایند "بشاری" قرار گرفته است. به طوری که پیام پشتیبانی هم برایشان می‌فرستد و به ادامه‌ی "راه" دلگرم‌شان می‌کند.

این عناصر معلوم الحال که هدفی جز ترغیف‌انگیزی و ضدیت علیه نیروهای انقلابی ندارند، با بهانه کردن بحث‌های به اصطلاح ایدئولوژیک تلاش می‌کنند که ذهن مردم را از مسائل و مشکلات حاد سیاسی - اجتماعی جامعه منحرف نموده و در عوض با براه انداختن جنگ "جبری - معنی" صفوف خلق را تجزیه و تضعیف نمایند. و حال آن که شخصاً انقلابیون مسلمان در عین حال که بر ضرورت پرداختن فوری به مسائل مبرم جامعه تأکید دارند از بحث‌های سالم ایدئولوژیک نیز روی گردان نبوده و از قضا آن را گامی در جهت تحکیم وحدت صفوف خلق و شیوه‌ی برای ارتقا فرهنگ انقلابی جامعه و به ویژه شاسیدن چهره‌ی تابناک اسلام به دور از خرافه‌های طبقاتی و جاهلی می‌دانند. بدیهی است که چنین برخوردی با ساله بحث ایدئولوژیک که مقدماً مستلزم داشتن انگیزه‌های سالم و انقلابی است، اساساً با انگیزه‌ها و برخورد عناصر معلوم الحال که مرتباً دعوت به بحث ایدئولوژیک می‌کنند در تضاد است. از دیدگاه ایشان، مسائل مبرم جامعه از جمله انحصارطلبی، چاق‌داری، عوام‌فریبی و نیز مبارزه‌ی ضدامپریالیستی و ضرورت وحدت نیروهای خلقی قابل بحث و بررسی نیست، گویا به "صلحت" شان نیست. چرا که وقتی سرمنشا اصلی سردمداران حقیقی چاق‌داری برای خلق قهرمانان مشخص شوند، مسلماً برای ایشان نیز که از وابستگی همان سردمداران هستند نیز دیگر جایی در رادیو و تلویزیون نخواهد بود.

اما در هر حال، فعلاً جای این سوال باقی است که چرا حضرات دست‌اندرکار رادیو و تلویزیون را که به عموم خلق تعلق دارد بازچیزی اهداف انحصارطلبانه‌ی گروهی و حزبی خود گردانند آن هم علیرغم تأکیدات امام مبنی بر این که مسئولین و دست‌اندرکاران ارگان‌های دولتی "از گروه گراشی و دسته‌بندی و فرصت‌طلبی و هواهای نفسانی احتراز کنند"؟ آخرین گونه اعمال به چه مجوزی انجام می‌گیرد و اصولاً هدف این کارها چه چیزی جز همین‌ها که امام از آن پرهیز داده‌اند می‌تواند باشد؟ گویا اینها "سنت" تاریخ را فراموش کرده و سرنوشت امثال جعفریان‌ها و نیکخواها را از یاد برده‌اند! این گونه نیروهای اصیل و انقلابی را آماج شرم‌آورترین تهمت‌ها و دروغ‌ها قرار نمی‌دادند. اینها از یاد برده‌اند که عصر ما عصر گفیر آگاهی خلق‌هاست، عصری که در آن عوام‌فریبی چندان دوامی نخواهد داشت!!

بامداد (۲۷ / ۳) - امام: من از همه‌ی ارگان‌های دولتی ... می‌خواهم که از گروه‌گرایی و دسته‌بندی و فرصت‌طلبی و هواهای نفسانی احتراز کنند ... و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند.

جمهوری اسلامی (۳/۱۰) - صدای جمهوری اسلامی، رجوی را به بحث آزاد دعوت کرد.

مجاهد (۳/۱۲) - ... اطلاعاتی به نقل از صدای جمهوری اسلامی ایران مبنی بر دعوت از مجاهدین (به خصوص برادر مجاهد سعودرجوی) برای بحث آزاد ایدئولوژیک در روزنامه‌های ۱۰ اردیبهشت درج شد که با کمال تعجب در تماسی که با مسئولین رادیو و تلویزیون گرفتیم از اطلاعات فوق (که البته فاقد امضا بود) اظهار بی‌اطلاعی کردند. در حالی که این اطلاعات علاوه بر درج در روزنامه‌ها از رادیو نیز مرتباً و به کرات پخش می‌شود و در برنامه‌ی اخبار ساعت ۲۱/۳۰ تلویزیون روز شنبه نیز مورد اشاره و تأکید قرار گرفت.

کیهان (۳/۱۱) - به دنبال اخراج گروهی از کارکنان صدا و سیما بامداد (۲۷ / ۳) - امام: من از همه‌ی ارگان‌های دولتی ... می‌خواهم که از گروه‌گرایی و دسته‌بندی و فرصت‌طلبی و هواهای نفسانی احتراز کنند ... و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند.

جمهوری اسلامی (۳/۱۰) - صدای جمهوری اسلامی، رجوی را به بحث آزاد دعوت کرد.

مجاهد (۳/۱۲) - ... اطلاعاتی به نقل از صدای جمهوری اسلامی ایران مبنی بر دعوت از مجاهدین (به خصوص برادر مجاهد سعودرجوی) برای بحث آزاد ایدئولوژیک در روزنامه‌های ۱۰ اردیبهشت درج شد که با کمال تعجب در تماسی که با مسئولین رادیو و تلویزیون گرفتیم از اطلاعات فوق (که البته فاقد امضا بود) اظهار بی‌اطلاعی کردند. در حالی که این اطلاعات علاوه بر درج در روزنامه‌ها از رادیو نیز مرتباً و به کرات پخش می‌شود و در برنامه‌ی اخبار ساعت ۲۱/۳۰ تلویزیون روز شنبه نیز مورد اشاره و تأکید قرار گرفت.

کیهان (۳/۱۱) - به دنبال اخراج گروهی از کارکنان صدا و سیما بامداد (۲۷ / ۳) - امام: من از همه‌ی ارگان‌های دولتی ... می‌خواهم که از گروه‌گرایی و دسته‌بندی و فرصت‌طلبی و هواهای نفسانی احتراز کنند ... و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند.

در شهرستان‌ها چه می‌گذرد...؟!

کازرون:

حمله‌ی اوپاش به فروشندگان نشریه‌ی مجاهد در کازرون

به تاریخ ۳/۲۸ تعدادی از هواداران مجاهدین که درحال فروش نشریه‌ی مجاهد بودند مورد حمله و ضرب و شتم جماعت‌داران قرار می‌گیرند که با دخالت مأمورین انتظامی و دستگیری سردسته‌ی جماعت‌داران به نام "قربانعلی مودنی" درگیری خاتمه پیدا می‌کند. متأسفانه روز بعد یعنی ۳/۲۹ سردسته‌ی جماعت‌داران توسط شهربانی آزاد می‌گردد و در ساعت ۱۱ صبح همین روز دادگاهی برای رسیدگی به حمله‌ی روز گذشته تشکیل می‌شود که دو نفر از برادران برای شهادت به دادگاه می‌روند. فلاژها جو دادگاه را متنسخ نموده و برادران درگیری شوند. سپس یکی از برادران را به اتاقی می‌برند که در آنجا فلاژها می‌زیند و پشت برادران را زخمی و محروم می‌کنند که ناچاراً به بیمارستان انتقال می‌یابد فرد مجروح شده پس از خروج از بیمارستان به اتفاق برادرش دستگیر می‌شوند. ضمناً عصر همین روز دوس دیگر از برادران هنگام عبور از خیابانی بازداشت می‌شوند. درحال حاضر ۴ نفر از برادران در بازداشت بسر می‌برند. خانواده‌ی بازداشت‌شدگان ضمن ارسال نامه‌ی به دفتر ریاست جمهوری خواهان رسیدگی به مسأله‌ی جماعت‌داری و آزادی فوری فرزندان خود شده‌اند و از اینکه بعضی مقامات اجرائی هیچ اقدامی در جلوگیری از این اعمال نمی‌کنند، شکوه کرده‌اند.

تهران: دفتر ریاست جمهوری جناب آقای بنی‌صدر ریاست جمهوری اسلامی ایران.

بسم الله الرحمن الرحیم

همانطور که اطلاع دارید مدت ۱۵ ماه است که از پدیده‌ی کثیف

در صد حاصل عملکرد مدیریت عامل سازمان می‌دانیم... برخورد غیر مشروع و غیر قانونی در انتصاب مدیریت عامل این سازمان که مخالفت صریح با قانون اساسی است، بایه‌گذار این مشکل بزرگ و جدید گردید... باید در صدر برنامه‌های مجلس این امر حیاتی قرار گیرد و تکلیف مدیریت سازمان به زودی از ناحیه‌ی مجلس تعیین و عناصر صالح و منتهدی برای سرپرستی مشخص گردد که منحرف و گروه‌گرا و قدرت‌طلب و... نباشند و در نانی به موارد عدول از قانون اساسی و تخطی‌های آتکار دیگر از رهنمود امام رسیدگی شود.

بامداد (۳/۲۴) - از سوی صدای جمهوری بار دیگر مجاهدین به بحث آزاد دعوت شدند. در اطلاعیه‌ی صدای جمهوری آمده‌است: ... به توجه به این که دعوت صدای جمهوری اسلامی از سازمان مجاهدین خلق به دنبال برنامه‌ی بخش‌شده از صدای جمهوری در ۴ خرداد بود که در آن "کلیات و اصول مطالب کتاب ساخت سازمان مجاهدین خلق، مارکسیستی اعلام شده و منتقدین به آن التقاطی خوانده شده بود" و اعتراض سازمان مجاهدین خلق به این مطلب است، بنابراین موضوع بحث

"السالوادور"

آتش‌فشان جنبش مسلحانه‌ی امریکای لاتین

حکومتی از آنها به قتل رسانیده‌اند. و این نشان‌دهنده‌ی خط برخوردی است که امپریالیسم در شرایط کنونی جهانی و در مقابله با جنبش‌های انقلابی گسترده و توده‌ای، در پیش گرفته‌است.

اوردن (orden) سازمان ناسیونال دموکرات‌ها، از جمله این سازمان‌هاست که در سال ۱۹۶۸ به منظور سرکوبی تشکیل شده‌است. این سازمان هدف خود را جلوگیری از نفوذ کمونیسم!! در مناطق روستایی می‌داند. باید توجه داشت که نیروهای انقلابی در مراحل رشد خود نتوانسته‌اند در مناطق روستایی، نیروهای بسیار زیادی به نفع انقلاب آزاد سازند.

ما فراق را فریب ندادیم که تصور کنند که فقیر هستند و یا اگر سئو و محتاج ارزش انقلابی خلق ال سالوادور

"انجاده‌ی حرکت‌های سفید" و "FA LANCE" (نیروهای مسلح آزادی‌بخش! ضد کمونیست! اگه اعضایشان بطور عمده از افراد نیروهای مسلح ارست می‌باشند، و بالاخره افراد و گروه‌های وابسته به PNC حزب حاکم سال‌های ۱۹۷۲، از جمله فعال ترین گسردم‌ترین سازمان‌های دست راستی در ال سالوادور هستند که توسط سیا سازمان داده شده‌اند. فعالیت عمده‌ی گروه‌های دست راستی عقب، شکنجه و کشتار انقلابیون است. آنها همچنین وظیفه‌ی حمله به نظارها و سینه‌های نیروهای انقلابی را بر عهده دارند. نزور تخصص‌های معروف و انقلابی نیز جزو وظایف آنهاست و از این جمله می‌توان "توراساق" رومرو" را در چند ماه پیش نام برد. هنگامی که مردم سان سالوادور از تشیع جنازه‌ی

ایدئولوژیک... مجاهد (۳/۲۹) - سخنگوی مجاهدین: اولاً رادیو هرگز باکنون حاضر نشده است که جوابیه‌ی مجاهدین را در برابر سیاست‌های شیطن‌بار داری‌دسته‌ی مشکوکی که مسئول این کارهاست قرائت کند... تا نیا - در تماس مجددی که با آقای دکتر فراخی گرفته و ضمن آموادگی خود را برای شرکت در بحث می‌خواستیم عنوان کنیم، ایشان مجدداً گفتند که هنوز چنین دعوتی که با اطلاع ایشان صورت گرفته باشد، انجام نشده و ایشان ضمن اعلامیه‌ی گذشته‌ی خود تأکید کرده‌اند که هر اعلامیه و دعوت‌نامه‌ی ای که به امضا، روابط عمومی رادیو - تلویزیون نباشد، از جانب صدا و سیما جمهوری نیست و حتی مطبوعات منتشرکننده‌ی آن قابل تعقیب کیفری می‌باشند... چسرا رادیو دائماً از مجاهدین دعوت‌هایی می‌کند که مدیر عامل آن نیز از آن بی‌اطلاع است؟

جمهوری اسلامی (۳/۱۱) - اطلاعیه‌ی روابط عمومی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - نظر به انتشار برخی مطالب در رابطه با صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در جراید با امضای مقامات غیر مجاز بدین وسیله به

او باز می‌گشتند گروهی که خارج از کلیسا ایستاده بودند با چوب و چماق به مردم حمله کرده و وعده‌های را کشته و زخمی نمودند. (رابرت وایت سفیر آمریکا در ال سالوادور و قیاحانه این عملیات را به نیروهای انقلابی نسبت داد و نقش خود را در سازماندهی نیروهای فاشیست و پشتیبانی از آنها را بر ملا کرد). هر چند شورای حاکم فعلی ال سالوادور در سال گذشته هنگام به دست گرفتن قدرت اعلام داشته بود که گروه‌های دست راستی افراطی را منحل خواهد کرد، اما طی این مدت به خوبی برای مردم به اثبات رسیده است که حکومت نیمه نظامی به طرز آشکار و بی‌شرمانه‌ی، دست این گروه‌های فاشیستی را برای انجام عملیات خود علیه نیروهای انقلابی کاملاً باز گذاشته است.

ایجاد و شکل گروه‌های مسلح راست و مترج در چه شرایطی امکان‌پذیر است و عملکرد این گروه‌ها به لحاظ سیاسی به نفع کیست؟ در چه کشورهای این گروه‌ها موجود آمده و فعالیت می‌کنند؟

جنگ داخلی و انحراف از مبارزه با دشمن اصلی امپریالیسم

امپریالیسم می‌کوشد تا با فعال کردن دامنه‌ی درگیری‌های گروه‌های دست راستی با نیروهای انقلابی، امر مبارزه‌ی مسلحانه را نزاع بین گروه‌هایی با طرز تفکرها و ایدئولوژی‌های گوناگون جلوه داده، و ادعای عمومی را به فعالیت‌های سیاسی که عمده‌اً توسط جناح‌های سازتکار و محافظه‌کار اجزای شاخه شده‌ی سیاسی صورت می‌گیرد معطوف نموده، و انقلاب مسلحانه را امری عبت و بدون نتیجه و جدای از مردم جلوه دهد. و در عین حال نتواند زمینه را برای سرکوب نظامی نیروهای انقلابی فراهم آورد. اما تحولات انقلابی حاصمه‌ی ال سالوادور با مسیری که در پیش گرفته است زمینه‌ی مانورهای امپریالیسم را بسیار محدودتر خواهد کرد. تحولات انقلابی در آمریکا مرکزی تا نیرات بسزایی روی مبارزات خلق‌های همسایه خواهد گذاشت. (ادامه دارد)

اطلاع می‌رساند. کلیه‌ی اطلاعاتی که سدا و سیما جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شود و این سازمان مسئول اطلاعاتی است که به امضای غیر از روابط عمومی منتشر شود. در صورت لزوم، سازمان علیه جریدهای که به انتشار این گونه اطلاعات اقدام نمایند اعلام جرم خواهد کرد.

روابط عمومی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

از علاقمندان تقاضای می‌شود که کمک‌های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در پیچ شمیران واریز نمایند، و حواله‌ی آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶- شماره ۶۴/۱۵۵۱ ارسال دارند.

روزنامه‌ی "مجاهد" نشریه‌ی مجاهدین خلق ایران سال ۱۳۷۱ آذرین: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱